

Analysis of Imam Khomeini's Family Ethics Model Within the Context of the Islamic Revolution *

Mohammad Ghodrati Shatori¹ 

1- Ph.D.Candidate in Islamic Jurisprudence and the Foundations of Islamic Thought,
Imam Khomeini Research Institute and the Islamic Revolution, Qom, Iran

(Corresponding author)

Mohamad.ghodrati1373@gmail.com



Abstract

The present study employs an analytical-descriptive method and utilizes library-documentary tools, aiming at elucidating Imam Khomeini's (may God have mercy upon him) model of family ethics and explaining its interaction with the context of the Islamic Revolution. The central question of the research examines how the Imam's model of family ethics persisted amid intense political turbulence. According to the findings, Imam Khomeini's family ethics constituted a multidimensional system composed of various domains that continued to function under harsh political and social circumstances. This model presents an image of the integration of servitude to God, affection, and social responsibility - an integration that can serve as a systematic framework for theorizing about the exemplary family suited to the Islamic Revolution. Imam Khomeini's family model interacted profoundly with the Islamic Revolution: the

*Cite this article: Ghodrati Shatori, M (2026). Analysis of Imam Khomeini's Family Ethics Model Within the Context of the Islamic Revolution, Journal in Applied Ethics Studies, 83(1), 145-179.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.73433.2109>.

 **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran. ***Type of article:** Research Article

 **Received:** 2025/11/11 • **Revised:** 2025/11/21 • **Accepted:** 2025/12/02 • **Published online:** 2026/07/13

© 2026 "Authors Retain Unrestricted Copyright To Their Articles".



family acted as his refuge and source of resilience during the struggle, and in turn, the Imam transformed the family into a base for the upbringing of a revolutionary generation, the implementation of social responsibilities, and the conversion of personal assets into social capital. This model defines the exemplary family of the Islamic Revolution as an active, conscious, and resilient institution in service of lofty ideals.

Keywords

Imam Khomeini, Family Ethics, Islamic Revolution, Family Letters, Educational Model.



نموذج الأخلاق الأسرية للإمام الخميني عليه السلام في سياق الثورة الإسلامية قراءة تحليلية*

محمد قدرتی شاتوری^۱



۱۴۷



تحليل الكور اخلاق خاندانگی امام خمینی (ره) در بستر انقلاب اسلامی

۱- مدرس في جامعة فرهنگيان وحاصل على الدكتوراه في فرع الفقه ومبادئ القانون والفكر للإمام

الخميني، معهد الإمام الخميني والثورة الإسلامية، طهران، إيران.

Mohamad.ghoodrati1373@gmail.com

الملخص

تروم هذه الورقة البحثية المتواضعة، من خلال المنهج الوصفي - التحليلي وبالاعتماد على الأداة البليوغرافية - الوثائقية، أن تسلط الضوء على نموذج الأخلاق الأسرية للإمام الخميني عليه السلام، مع الكشف عن تفاعله مع سياق الثورة الإسلامية. تركز هذه الدراسة على كيفية استدامة نموذج الأخلاق الأسرية للإمام الخميني في ظل الظروف السياسية المتوترة. تظهر نتائج البحث أن نموذج الأخلاق الأسرية للإمام الخميني يشكل منظومة متعددة الأبعاد، قد دامت في ظل الظروف السياسية والاجتماعية الحرجة. فهذا النموذج يقدم لنا صورة من الجمع بين عبودية الله والعاطفة والمسؤولية الاجتماعية، ما يمكن توظيفه كنموذج منهجي للتنظير حول

***الاستناد إلى هذه المقالة:** قدرتی شاتوری، محمد (۲۰۲۶). نموذج الأخلاق الأسرية للإمام الخميني عليه السلام في سياق الثورة الإسلامية قراءة تحليلية. دراسات في الأخلاق التطبيقية، ۸۳ (۱)، ۱۴۵-۱۷۹.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.73433.2109>.

□ نوع المقال: بحثي؛ الناشر: معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران.

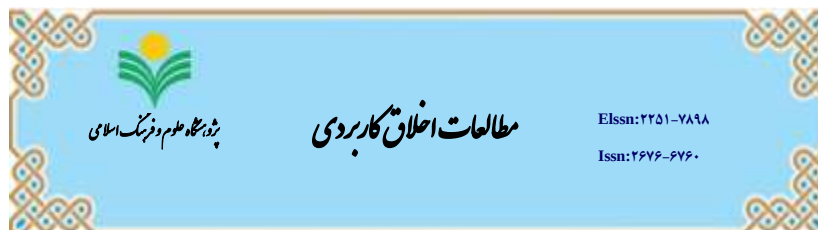
□ تاريخ الاستلام: ۲۰۲۵/۱۱/۱۱ • تاريخ التعديل: ۲۰۲۵/۱۱/۲۱ • تاريخ القبول: ۲۰۲۵/۱۲/۰۲ • تاريخ الإصدار: ۲۰۲۶/۰۷/۱۳

الأسرة المثالية في سياق الثورة الإسلامية. فإن النموذج الأسري للإمام كان في مسار تفاعل فعال مع الثورة الإسلامية، بحيث إن الأسرة كانت ملاذ الإمام ومصدر المرونة عنده في مسار النضال. لقد كان الإمام حوّل الأسرة إلى قاعدة لتنفيذ ثلاث الوظائف الأساسية، وهي: تربية جيل ثوري، والقيام بالمسؤوليات الاجتماعية، وتحويل الأصول الشخصية إلى رأس مال جماعي. استناداً إلى هذا النموذج، فإنّ الأسرة المثالية في سياق الثورة الإسلامية بمثابة مؤسسة نشطة واعية مرنة في سبيل تحقيق التطلّعات الكبيرة.

الكلمات المفتاحية

الإمام الخميني، الأخلاق الأسرية، الثورة الإسلامية، الرسائل الأسرية، النموذج التربوي.





تحلیل الگوی اخلاق خانوادگی امام خمینی علیه السلام در بستر انقلاب اسلامی*

محمد قدرتی شاتوری^۱



۱- دانش آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق و اندیشه امام خمینی علیه السلام، پژوهشکده امام خمینی علیه السلام و انقلاب اسلامی.
(نویسنده مسئول).

mohamad.ghoodrati1373@gmail.com

۱۴۹



تحلیل الگوی اخلاق خانوادگی امام خمینی (ره) در بستر انقلاب اسلامی

چکیده

نوشتار حاضر با روش تحلیلی توصیفی و ابزار از نوع کتابخانه‌ای اسنادی با هدف تبیین الگوی اخلاق خانوادگی امام خمینی علیه السلام و تبیین تعامل آن با بستر انقلاب اسلامی انجام شده است. مسئله اصلی پژوهش، واکاوی چگونگی تداوم الگوی اخلاق خانوادگی امام، در شرایط پُر التهاب سیاسی است. براساس یافته‌های پژوهش، الگوی اخلاق خانوادگی امام، نظامی چندبُعدی و متشکل از ساحت‌های گوناگون بوده که در شرایط سخت سیاسی و اجتماعی ادامه یافته است. این الگو، تصویری از تلفیق عبودیت، عاطفه و مسئولیت اجتماعی را ارائه می‌دهد که می‌تواند به عنوان الگویی نظام‌مند برای نظریه‌پردازی درباره خانواده تراز انقلاب اسلامی استفاده شود. الگوی خانوادگی امام در تعاملی اثرگذار با

***استناد به این مقاله:** محمد، قدرتی شاتوری (۱۴۰۵). تحلیل الگوی اخلاق خانوادگی امام خمینی علیه السلام در بستر انقلاب اسلامی. مطالعات اخلاق کاربردی، ۸۳(۱)، صص ۱۴۵-۱۷۹.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.73433.2109>.

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران.

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۸/۳۰ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۴/۲۲



© ۲۰۲۶ «نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند».

انقلاب اسلامی قرار داشت؛ به گونه‌ای که خانواده، پناهگاه و منبع تاب‌آوری ایشان در مبارزه بود. امام، خانواده را به پایگاهی برای سه رسالت بنیادین تبدیل کرده بود: تربیت نسل انقلابی، ایفای مسئولیت‌های اجتماعی و تبدیل دارایی‌های شخصی به سرمایه‌ای جمعی. این الگو، خانواده‌تراز انقلاب اسلامی را به نهادی فعال، آگاه و تاب‌آور در خدمت آرمان‌های بزرگ تعریف می‌کند.

کلیدواژه‌ها

امام خمینی، اخلاق خانوادگی، انقلاب اسلامی، نامه‌های خانوادگی، الگوی تربیتی.



مقدمه

خانواده، هسته بنیادین و مبنای جامعه (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۴۸۵) و نخستین نهاد اجتماعی شدن انسان است (کاظم نژاد، ۱۳۹۷، ص ۱۳) که نقشی تعیین کننده در انتقال باورها و الگوهای اخلاقی به نسل های آینده دارد (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۵۰۴).

در بستر انقلاب اسلامی به عنوان یک انقلاب اصیل فرهنگی ناشی از فرهنگ ناب اسلام، تأکید بر پاسداشت خانواده به دلیل جایگاه یگانه آن در فرایند مهم تربیت و شکل دهی به ارزش ها ضرورت یافته است (محمدی صیفار، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۸). در منظومه فکری انقلاب اسلامی، خانواده افزون بر کارکرد خصوصی خود، سنگر مقاومت علیه تهاجم فرهنگی (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۱۴؛ دری نجف آبادی، ۱۳۹۵، ص ۹۶) و کانون تربیت انسان تراز نظام اسلامی قلمداد می شود (قطب، ۱۳۷۹، ص ۳۶۸؛ کاظمی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۴).

۱۵۱



واکاوی الگوی عملی رهبران انقلاب، به ویژه بنیان گذار آن، می تواند گنجینه ای غنی از معارف نظری و کاربردی را پیش روی ما بگشاید. امام خمینی که خود، نظریه پرداز و مجری حکومت اسلامی بودند (فاضل استرآبادی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۳)، سبک زندگی اسلامی را در عرصه شخصی و خانوادگی به نمایش گذاشتند (خامنه ای، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۲۱۴)؛ بنابراین، تبیین الگوی اخلاق خانوادگی ایشان، فارغ از جنبه های زندگی نامه نویسی، امری ضروری برای فهم پیوند ناگسستنی بین «اخلاق فردی»، «کمال خانوادگی» و «مسئولیت اجتماعی» در گفتمان انقلاب اسلامی است. پژوهش حاضر بر آن است تا با اتکای بر اسناد دست اول، از جمله نامه های خانوادگی، این الگو را در بستر انقلاب واکاوی کند.

آنچه در منظومه پژوهشی مرتبط با امام خمینی مغفول مانده، پرداختن به سیره عملی ایشان در کانون خانواده به عنوان الگویی نظام مند است. پرسش اصلی آن است که آیا ایشان در عرصه خصوصی و خانوادگی توانسته بود نظریه «تربیت انسان متعهد» را به صورت عینی محقق کند؟ بارزترین ویژگی زندگی امام، هم زمانی «رهبری انقلاب» با «مسئولیت پذیری در قبال خانواده» بود. این هم زمانی، این مسئله پژوهشی را مطرح می کند



پیشینه پژوهش

که چگونه الگوی اخلاق خانوادگی ایشان در شرایط دشوار مانند تبعید، زندان و فشار سیاسی، نه تنها دچار گسست نشد، بلکه تداوم و تعالی یافت؟ آیا این الگو فقط بر عواطف سنتی استوار بود یا مؤلفه‌های دیگری را نیز در بر می‌گرفت؟

عدم تبیین این الگو، خلأ پژوهشی در درک همه‌جانبه منظومه فکری امام و نیز ارائه الگوی عملی برای «نهاد خانواده در جمهوری اسلامی» ایجاد کرده است. بدین ترتیب، این پژوهش به روش تحلیلی تبیینی و با روش کتابخانه‌ای و همچنین تمرکز بر نامه‌های خانوادگی امام به عنوان اسناد معتبر، درصدد پُر کردن بخشی از این خلأ است. جامعه آماری پژوهش، اسناد دست‌اول، به‌ویژه مجموعه نامه‌های خانوادگی امام و همچنین، خاطرات مستند نزدیکان ایشان است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، تحلیل مضمون و استخراج نظام‌مند مفاهیم و مؤلفه‌ها از این اسناد است.

بررسی پژوهش‌های پیشین در حوزه سیره خانوادگی امام خمینی نشان می‌دهد که آثاری ارزشمند در این زمینه تألیف شده‌اند؛ اما عمدتاً با دو چالش روش‌شناختی و محتوایی مواجه هستند. از یک سو، کتاب‌هایی مانند «پدر مهربان» (میربان، ۱۳۹۰) و «درس‌هایی از امام: اخلاق در خانواده» (سعادت‌مند، ۱۳۸۶) با رویکردی روایی و مبتنی بر خاطرات پراکنده، در انتقال جلوه‌های رفتاری امام موفق بوده‌اند؛ اما فاقد یک تحلیل نظام‌مند و ارائه مدلی جامع از الگوی اخلاق خانوادگی ایشان هستند. از سوی دیگر، پژوهش‌هایی مانند «رفتارشناسی امام خمینی با همسر» (عیسی‌زاده، ۱۳۹۲)، صرفاً به رابطه زناشویی محدود شده و ابعاد دیگر تعاملات خانوادگی ایشان را نادیده گرفته‌اند. همچنین، مقالاتی نظیر «جایگاه اخلاق در اندیشه و عمل امام» (مجیدی بیدگلی، ۱۳۹۱)، عمدتاً بر مبانی نظری اخلاق فردی و اجتماعی متمرکز شده و بازتاب عملی این مبانی را در کانون خانواده واکاوی نکرده‌اند.

درمجموع، خلأهای پژوهشی زیر به دست آمد:



- ارائه‌ندادن الگویی نظام‌مند و چندبُعدی از سیره خانوادگی امام؛
- غفلت از تبیین تعامل دوسویه بین خانواده و انقلاب اسلامی؛
- توجه‌نکردن به سیر تحول الگو از ساختار پدرسالارانه به‌سوی حقوق متقابل و گفت‌وگومحوری.

این پژوهش با آگاهی از خلأهای فوق، پنج نوآوری بنیادین را دنبال می‌کند که سبب تمایز آن از پژوهش‌های پیشین می‌شود. نخست، ارائه «الگوی پنج‌بُعدی نظام‌مند» که برای نخستین بار، الگوی اخلاق خانوادگی امام را در قالب چهارچوب نظری منسجم شامل ابعاد «عبودیتی، عاطفی‌روانی، تربیتی آموزشی، مدیریتی اقتصادی و حقوقی تعاملی» ارائه می‌دهد. دوم، تبیین «خانواده به‌مثابه پایگاه تاب‌آور انقلاب» که به واکاوی تعامل نهاد خانواده و کانون انقلاب می‌پردازد و نشان می‌دهد خانواده چگونه پناهگاه روانی امام و پایگاهی برای تربیت نسل انقلابی بود. سوم، کشف و استخراج «الگوی حقوق متقابل و گذار از پدرسالاری» که با شواهد مستند نشان می‌دهد الگوی امام، گذاری تاریخی از رابطه یک‌سویه و آمرانه به‌سوی رابطه‌ای مبتنی بر گفت‌وگو، کرامت و مسئولیت‌پذیری دوسویه بود. چهارم، تحلیل ساختاریافته «نامه‌های خانوادگی» که امکان استخراج زوایای پنهان عواطف، دغدغه‌های مدیریتی و مبانی اعتقادی ایشان در حریم خصوصی را فراهم کرده است. پنجم، ترسیم «خانواده به‌مثابه مدرسه عبودیت» که نشان می‌دهد خانواده در نگاه امام، مکانی برای تقرب الهی است.

۱. مفهوم‌شناسی

اخلاق خانوادگی: واژه «اخلاق» جمع «خلق» به معنای سرشت، عادت و خوی است (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص ۸۶). «خانواده» به معنای خاندان، دودمان، عشیره، تبار، اهل خانه و اهلبیت است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۲). «خانوادگی» نیز نسبتی است که چیزی را به خانواده مرتبط می‌کند (راغب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۱۹).



در اصطلاح، «اخلاق خانوادگی» به منظومه‌ای یکپارچه و نظام‌مند از بینش‌ها، ارزش‌ها، گرایش‌ها، روش‌ها، کنش‌ها و گویش‌ها اطلاق می‌شود که روابط متقابل اعضای خانواده را بر مبنای ارزش‌های دینی و عقلانی سامان بخشیده و کانون خانواده را به محیطی برای پرورش فضایل اخلاقی تبدیل می‌کند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۵۰۳).

الگوی اخلاقی: «الگو» به معنای مدل، نمونه، طرح و اسوه به کار می‌رود (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۷۳). «اخلاقی» نیز صفت نسبی از «اخلاق» و به معنای منسوب به حوزه‌خوی‌ها و صفات نفسانی است (ابن مسکویه، بی‌تا، ص ۵۱).

منظور از «الگوی اخلاقی» در اصطلاح، چهارچوبی عینی، نظام‌مند و قابل الگوبرداری است که مجموعه‌ای از اصول، روش‌ها و ارزش‌های برجسته اخلاقی را در قالب سیره عملی یک شخصیت ارائه می‌دهد. این الگو، تجلی عینی چگونه زیستن اخلاق‌مدارانه است (جان‌نثاری و واعظی، ۱۳۹۸، ص ۷۸).

خانواده تراز انقلاب اسلامی: «تراز» به معنای هم‌سطح، معیار سنجش و استاندارد است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۸۹؛ بستانی، ۱۳۷۵، ص ۸۸۵)؛ بنابراین، می‌توان گفت: «خانواده تراز» به خانواده‌ای اشاره دارد که به‌عنوان الگو و معیار مطلوب قرار گیرد. «خانواده تراز انقلاب اسلامی» در اصطلاح، به الگوی آرمانی و نظام‌مند از نهاد خانواده اطلاق می‌شود که کارکردهایی فراتر از نقش‌های سنتی دارد. این نهاد، هم‌زمان تحت عناوین «پناهگاه عاطفی»، «مدرسه تربیت دینی»، «سنگر مقاومت فرهنگی» و «پایگاه خدمت‌رسانی اجتماعی» تعریف می‌شود که غایت آن، تربیت انسان متعهد و تحقق‌بخشی تمدن نوین اسلامی است (شهریاری، ۱۴۰۲، ص ۲۲۹؛ جهان‌بین، ۱۳۹۱، ص ۱۲۲).

۲. ابعاد الگوی اخلاقی امام خمینی

در ادامه، الگوی اخلاقی امام خمینی در پنج بُعد تحلیل و ارائه می‌شود. این ابعاد دربرگیرنده ساحت‌های اعتقادی-عبادتی، عاطفی-روانی، تربیتی-آموزشی، مدیریتی-اقتصادی و

حقوقی تعاملی از الگوی اخلاق خانوادگی امام خمینی است که هریک به تفکیک و با استناد به اسناد معتبر واکاوی خواهند شد.

۲. ۱. ساحت عبودیت اعتقادی

این بُعد به عنوان زیربنای تمامی تعاملات خانوادگی امام نشان می‌دهد که چگونه عبادت در متن روابط و وظایف روزمره خانوادگی جریان یافته است. تحلیل نامه‌ها و سیره عملی ایشان مؤید آن است که خانواده برای امام، عرصه تجلی خدامحوری در جزیی‌ترین امور زندگی بوده است.

۲. ۱. ۱. مجرای قرب الهی

براساس وصیت‌نامه اخلاقی عرفانی امام خمینی، می‌توان دریافت که نگاه ایشان به نهاد خانواده، فراتر از کانون عاطفی اجتماعی متعارف بود. خانواده از منظر امام، کارکردی تعالی‌بخش در مدرسه عملی عبودیت دارد که اعضای آن در سایه روابط مبتنی بر احترام و خدمت، به کمال و قرب الهی می‌رسند. امام در وصیت خود به فرزندشان با بیانی که آمله‌ای از عرفان و اخلاق است، می‌فرماید: «بزرگ‌ترین وصیت من به تو فرزند عزیز، سفارش مادر بسیار وفادار توست... یک شب مادر نسبت به فرزندش از سال‌ها عمر پدر متعهد ارزنده‌تر است. تجسم عطف و رحمت در دیدگان نورانی مادر، بارقه رحمت و عطف ربّ العالمین است» (خمینی، ۱۳۸۷ «الف»، ج ۲، ص ۱۰۰؛ خمینی، ۱۳۹۲، ص ۵۴؛ خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۳۳). این بیان، چند بُعد از نگاه عرفانی امام را ظاهر می‌کند:

در آموزه‌های اسلامی، احترام به پدر و مادر هر دو ضروری شمرده شده است؛ اما تأکید بیشتری بر حقوق مادر صورت گرفته و جایگاه والاتری برای او در نظر گرفته شده است (یوسفیان، ۱۳۸۷، ص ۹۳). امام خمینی با توصیف مادر به عنوان «تجلیگاه رحمت و عطف ربّ العالمین»، در حقیقت خدمت به مادر را از فضیلت اخلاقی صرف، به عبادت و وسیله تقرب به خدا ارتقا می‌دهند. در این نگاه، مادر، آینه‌ای از رحمت بی‌منتهای الهی





۲. ۱. ۲. توکل و خدامحوری

با ارزش ترین اصل و حیات بخش ترین اصل در زندگی، برقراری ارتباط خالصانه با خدای متعال است؛ به گونه ای که سایر جنبه های زندگی، فقط زمانی ارزش حقیقی پیدا می کنند که زمینه ساز این ارتباط باشند. حتی مقدس ترین نهادها مانند ازدواج نیز به این دلیل ارزشمندند که بستری برای تقرب به خدا و رسیدن به کمالات انسانی فراهم می کنند. اگر زندگی مشترک براساس اصل خدامحوری شکل گیرد، به محوری برای نزدیکی به درگاه الهی و عروج به مراتب بالای انسانی تبدیل می شود (نباتی، ۱۳۹۳، ص ۴۶)؛ همان گونه که قرآن کریم نیز بر محوریت توحید و تقرب جستن به خدا در زندگی تأکید کرده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ﴾ (تحریم، ۶).

اساس اندیشه امام خمینی، توکل (مرتضوی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۱۶۳۹) و خدامحوری بوده است (فوزی، ۱۳۹۰، ص ۹۱). توکل در بستر بینش توحیدی زاییده می شود (علیزاده، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۹۲). بررسی سیره و نامه های خانوادگی امام خمینی نشان می دهد که توکل و خدامحوری، جوهره و زیربنای تعاملات ایشان در عرصه خانواده بوده است. این

است و محبت به او، تمرین و تجربه ای از محبت به خداوند است. این امر، خانواده را به محضری برای سلوک عملی تبدیل می کند.

امام با استناد به حدیث نبوی بیان می کند که این روایت، حقیقت عرفانی است: «اینکه در حدیث آمده است که بهشت زیر قدم های مادران است، یک حقیقت است... سعادت و جنت را در زیر قدم آنان و خاک پای مبارک آنان جست و جو کنید» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۲۲۶). از منظر ایشان: «اینکه می گویند بهشت زیر پای مادران است، یعنی باید جلوی ایشان آن قدر صورت به خاک بمالید تا به بهشت دست یابید» (میریان، ۱۳۹۰، ص ۹۶)؛ بنابراین، خانواده، به ویژه رابطه با مادر، به بستری عینی برای کسب سعادت ابدی مبدل می شود. فرزند با خدمت و اطاعت از مادر، در حال کسب بهشت و جست و جوی سعادت در ملموس ترین و نزدیک ترین رابطه انسانی خویش است.



خدامحوری، فقط به عبادات رسمی محدود نبوده، بلکه به شکلی همه‌جانبه در جریان زندگی روزمره و روابط خانوادگی نیز جاری بوده است. این ویژگی را می‌توان در سه محور اصلی تحلیل کرد:

۲.۱.۲. ۱. ذکر خداوند در ابتدا و فرجام امور

امام خمینی، سرآغاز نامه‌های خود، حتی نامه‌های کوتاه و شخصی را با عبارت «بسم الله الرحمن الرحیم» یا «بسمه تعالی» آغاز می‌کنند. این کار، فقط یک رسم ادبی نبوده است، بلکه نشان‌دهنده نهادینه شدن یاد خدا به عنوان اصل نخست در هر اقدام و ارتباطی، در سطح مکاتبه ساده خانوادگی بود. به طور مثال، در نامه‌ای به تاریخ ۱۹ آبان ۱۳۴۳ از ترکیه، خطاب به پسرشان می‌نویسند: «بسم الله الرحمن الرحیم... آنچه از طرف خداوند تعالی مقدر شده است، جمیل است. خداوند توفیق خدمت به همه ما عنایت فرماید» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۲۹). این جمله کوتاه بیان‌کننده تسلیم در برابر قضای الهی، حسن ظن به خدا و درخواست توفیق خدمت است؛ بنابراین، برای امام در شرایط سخت تبعید، خداوند محور اصلی اندیشه و عمل است.

حضور خداوند در متن زندگی خانوادگی، با تأثیر بر نگرش‌ها و رفتارها، آثار مثبتی به همراه دارد. این ارتباط، به اصلاح و رشد همه‌جانبه فرد کمک کرده و روحیه صبر و اراده را در برابر مشکلات تقویت می‌کند. همچنین، احساس حضور ناظری آگاه در همه حال، به ویژه در عرصه روابط خصوصی، از ظلم و حق‌کشی جلوگیری می‌کند (کاویانی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۴).

۲.۲.۱. ۲. کاربرد مستمر عبارات توکلی

با نگاهی گذرا به زندگی امام می‌توان گفت، راز استواری ایشان در تمام فراز و نشیب‌ها، اتکای راستین به قدرت بی‌پایان خداوند بود. ایشان دل به خدا سپرده بود و



هیچ کس را جز او، مؤثر در جهان نمی دانست. در مقابل این ایمان راسخ، خداوند نیز پشتیبان ایشان شد و بزرگ‌ترین حامی او بود و ایشان را به پیروزی‌های درخشان نائل کرد (الهامی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۰۱). عباراتی همچون «ان شاء الله»، «بحمد الله»، «ما شاء الله» و «الحمد لله»، در لابه‌لای گزارش‌های روزمره، احوالپرسی‌ها و گلابه‌های امام دیده می‌شود. تعدد و تداوم استفاده، حاکی از آن است که ذهنیت امام به گونه‌ای با یاد خدا عجین شده بود که خودجوش و در هر مناسبتی جاری می‌شد. این امر، فضای خانواده را در فضای معنویت قرار می‌داد و به روابط عادی، عمق و جهت الهی می‌بخشید. برای نمونه، جهت اطلاع از سلامت خود نوشته‌اند: «بنده و اهالی منزل همگی بحمد الله سالم هستیم» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۳۳؛ ج ۲، صص ۴۰۲، ۴۲۸، ۴۵۰) و برای ابراز امیدواری نوشته‌اند: «ان شاء الله تعالی، نقاهت وجود محترم مرتفع شده است» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۵؛ ج ۲، صص ۲۴۹، ۲۵۹).

۲.۱.۲. محوریت رضایت خدا در رفتار

امام در مهم‌ترین توصیه‌های خود به فرزندان، «رضایت خدا» را به‌عنوان بالاترین معیار عمل قرار می‌دادند. ایشان در وصیت‌نامه اخلاقی خود می‌نویسند: «رضا و خشنودی پروردگار را در رضا و خشنودی مادران جست‌وجو کنید» (خمینی، ۱۳۹۲، ص ۵۵؛ خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۲۲۶). این جمله، نماد بارز خدامحوری در الگوی خانوادگی امام است. ایشان خدمت به مادر را نه تنها وظیفه اخلاقی که مسیری عینی برای کسب رضایت الهی معرفی می‌کنند. ایشان در تبعید در نامه‌ای دیگر به پسرشان مصطفی تأکید می‌کنند: «لازم است... به شما تأکید کنم، رضای خداوند و رضای من در حسن سلوک با خانواده است» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۳۱). در اینجا، «رضایت خدا» مقدم بر «رضایت خود» ذکر شده است که نشان‌دهنده تقدم ارزش‌های دینی بر ترجیحات شخصی حتی به‌عنوان پدر است.

۲.۲. ساحت تعاملی، حقوق متقابل

از دیدگاه امام خمینی «زن و مرد از نظر حقوق انسانی برابرند؛ چون هر دو انسان محسوب می‌شوند و زنان نیز حق دارند در سرنوشت خود دخالت داشته باشند. البته، در برخی زمینه‌ها تفاوت‌های طبیعی بین آن‌ها وجود دارد که به ارزش و انسانیت آن‌ها ربطی ندارد» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۱۸۸). امام در تعامل با همسرشان، همواره از ادبیات احترام‌آمیز و غیرمستقیم استفاده می‌کردند؛ به گونه‌ای که حتی برای کارهای ساده‌ای مانند دوختن دکمه پیراهن، به جای به کار بردن عبارت دستوری (بدوز)، با گفتن «بگویید بدوزند» یا «کسی نبود بدوزد؟»، با وجودی که می‌دانستند انجام کار بر عهده همسرشان است، حرمت و کرامت ایشان را حفظ می‌کردند (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۵۲۱).

الگوی اخلاق خانوادگی امام خمینی، برخلاف الگوهای سنتی یک‌سویه و قائم‌به‌ذات پدرسالار، بر محور حقوق متقابل و تکلیف‌مداری دوسویه استوار بود. مبنای برخوردهای تربیتی امام، شریعت اسلام بود و به شخصیت فرزندان در چهارچوب شرع توجه لازم می‌شد (مرتضوی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۵۳۹). در این الگو، پدر به عنوان عضوی از یک مجموعه مسئولیت‌پذیر تعریف می‌شود که خود را ملزم به رعایت حقوق همسر و فرزندان می‌داند. این اصل انقلابی در سیره امام، در موارد متعددی تجلی یافته است:

۲.۲.۱. درخواست عفو از فرزند

امام در نامه‌ای به تاریخ ۵ آذر ۱۳۴۹ به پسرشان احمد، پس از آنکه احمد از سخن امام درباره منزل گلایه کرده بود، با تواضع می‌نویسند: «از اینکه من راجع به منزل چیزی گفتم، گله کرده‌اید؛ حق با شماست... باید پدر پیر را ببخشید» (مرتضوی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۶۴۶؛ خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۱۰). این عبارت، نمونه‌ای از به رسمیت شناختن حق اعتراض و نقد از سوی فرزند است. امام به صراحت می‌پذیرند که حق با فرزندشان است و از موضع یک پدر پیر، نه مرجع تقلید، درخواست عفو می‌کنند. این رفتار بیان‌کننده آن است که مقام علمی و اجتماعی، ایشان را از مسئولیت‌پذیری در قبال اشتباهاتشان در خانواده معاف





نمی‌کند، بلکه فضایی ایجاد می‌کند که در آن، گفت‌وگو، اعتراض محترمانه و عذرخواهی، تنظیم‌کننده روابط است.

۲.۲.۲. ابراز حق داشتن برای دیدار همسر

در نامه‌ای به دخترانش (شهریور ۱۳۵۱) که همسرشان (خانم ثقفی) مهمان آنان بود، امام با بیانی همراه با اشتیاق و درعین حال، حق طلبی می‌نویسند: «خانم را زودتر روانه کنید، دیدار شما کافی است، ما هم حقی داریم» (خمینی، ۳۸۹، ج ۲، ص ۴۵۳). امام، عواطف خود را نه به شکل التماس یا دستور، بلکه در قالب ادعای حق مشروع عاطفی بیان می‌کنند. این بیان نشان می‌دهد که ایشان رابطه با همسر را یک رابطه دوسویه می‌دانستند که در آن، هر دو طرف دارای حقوق عاطفی مساوی هستند. این نگاه، همسر را به شریک زندگی با حقوقی برابر ارتقا می‌دهد.

۳.۲.۲. وصیت به رعایت حقوق مادر

از جمله مبانی حقوق مادر بر فرزند، حقوق ناشی از شیردادن است که این عمل، نه تنها یک تکلیف طبیعی است که پُلی برای ایجاد پیوند ناگسستنی عاطفی و روحی بین مادر و فرزند محسوب می‌شود (اصفهانی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۳۹)، بلکه فرزندان به پاس شیر و محبتی که از مادر دیده‌اند، موظف به اطاعت و خدمت به او هستند؛ چرا که این فداکاری‌ها، هیچ جایگزینی توسط دیگری ندارد (دریایی، ۱۳۹۹، ص ۵۲۵).

امام، حقوق مادر را به عنوان محوری ترین وظیفه فرزندان برمی‌شمارد و می‌فرماید: «بزرگ ترین وصیت من به تو فرزند عزیز، سفارش به مادر بسیار وفادار توست. حقوق بسیار مادرها را نمی‌توان شمرد و نمی‌توان به حق ادا کرد» (خمینی، ۱۳۹۲، ص ۵۷). تأکید امام بر کلمه حقوق به جای واژه‌های کلی تری مانند احترام یا لطف، بیان‌کننده نگرش حقوقی اخلاقی به رابطه مادر و فرزند است. از منظر امام، خدمت به مادر، تکلیف شرعی و ادای حق الوافی است که فرزند در برابر آن مسئول است. این نگاه، خدمت به مادر را از

حیطه احساسات شخصی خارج نموده و آن را به یک مسئولیت قطعی و لازم‌الاجرا تبدیل می‌کند.

امام پس از رسیدن فرزندان به سن تکلیف، توجه ویژه‌ای به تربیت دینی و اخلاقی آنان داشتند. ایشان همواره از والدین درباره برنامه‌ها و معاشرت‌های فرزندان‌شان جویا می‌شدند و تأکید جدی بر رعایت احترام به پدر و مادر داشتند. نمونه بارز این اهتمام، زمانی بود که اگر فرزندی دستور مادر را انجام نمی‌داد، امام بلافاصله و با قاطعیت، چه در جمع و چه در خلوت، از او می‌پرسیدند: «چرا به حرف مادرت گوش نمی‌کنی؟ تو باید به مادرت احترام بگذاری» (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۵۱۵). این برخورد امام، نشان‌دهنده جایگاه رفیع مادر در نظام تربیتی ایشان و اهمیت رعایت حقوق والدین بود.



۳.۲. ساحت عاطفی، مدیریت عواطف و تأمین آرامش

نامه‌های خانوادگی امام خمینی بیان‌کننده آن است که ساحت عاطفی روانی، یکی از ارکان اصلی الگوی اخلاقی ایشان بوده است. امام با درک عمیق از نقش هیجانات در استحکام خانواده، به‌شکلی مدبرانه و فعال به مدیریت این فضا می‌پرداختند. این امر در سه محور اصلی خلاصه می‌شود:

۳.۲.۱. ابراز صریح عواطف

زن و مرد به‌عنوان دو رکن رابطه، نیاز به ابراز عشق و محبت دارند. آنان باید فضای دل‌های یکدیگر را از مهر و دوستی لبریز کرده و نیازهای عاطفی، روانی و امنیتی طرف مقابل را در قالب معاشرت نیکو تأمین کنند (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۷۳).

امام از بیان احساسات شخصی خود مانند دل‌تنگی، اشتیاق و نگرانی، هراسی نداشتند و این احساسات را به‌صورت صادقانه و شفاف با اعضای خانواده در میان می‌گذاشتند. این صراحت، فضایی از صمیمیت و اعتماد عمیق ایجاد می‌کرد. امام در نامه‌ای که در سفر حج



(فروردین ۱۳۱۲) خطاب به همسرشان خانم خدیجه ثقفی نوشته‌اند، با لحنی سرشار از اشتیاق و دل‌تنگی و استفاده از عباراتی مانند «تصدقت شوم» و «الهی قربانت بروم» می‌نویسند: «در این مدت که مبتلای به جدایی از آن نور چشم عزیز و قوت قلبم گردیدم، متذکر شما هستم و صورت زیبایت در آئینه قلبم منقوش است... صد حیف که محبوب عزیزم همراه نیست» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳).

نامه امام، جلوه‌ای از عاطفه رمانتیک، بیان صریح دل‌تنگی و نقش محوری همسر به عنوان قوت قلب را در الگوی اخلاق خانوادگی ایشان نشان می‌دهد و بیان‌کننده آن است که بنیان الگوی اخلاق خانوادگی امام، پیش و بیش از هر چیز، بر مهرورزی عمیق، صمیمیت عاطفی و ارج نهادن به همسر به عنوان کانون آرامش استوار بوده است. این عاطفه اصیل، پایه و اساس استحکام و پایداری خانواده ایشان در سال‌های پُرالتهاب بعدی شد.

به نقل از همراهان ایشان آمده است که امام خمینی در طول پانزده سال اقامت در نجف با کسی تلفنی صحبت نمی‌کردند؛ اما بلافاصله پس از ورود به پاریس، تماس تلفنی با همسرشان را آغاز کرده و حتی پیگیر رفتن ایشان به پاریس بودند. با حضور خانواده‌شان در پاریس، آرامش و طمأنینه‌ای در ایشان مشاهده می‌شد (رجایی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۷۸). ایشان در نامه‌ای به همسرشان (مهر ۱۳۵۱) می‌نویسند: «وعده مراجعت نزدیک است و ما هم از نبودن شما خسته شدیم» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۴۵۷). عبارت «خسته شدیم»، بیان‌کننده دل‌تنگی و نیاز عاطفی ایشان است. در نامه‌ای دیگر (آبان ۱۳۵۱) نیز می‌نویسند: «ما عجالتاً در انتظار شما به سر می‌بریم» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۴۶۳).

امام خمینی، عواطف خود به فرزندان را در گفتار و در رفتاری متواضعانه و عاطفی نشان می‌دادند. ایشان با رویی گشاده و متانت با اولاد خود برخورد می‌کردند و گاه به آشپزخانه می‌رفتند و برای آنان چای می‌ریختند (ستوده، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۱۱). اقدام امام بیان‌کننده مهر و احترام ایشان به فرزندان بود.

۲.۳.۲. مدیریت دل تنگی بدون ایجاد تنش

امام از طنز به عنوان ابزاری ظریف برای بیان احساسات منفی مانند دل تنگی یا گلایه استفاده می کردند؛ به گونه ای که به جای ایجاد شرم یا تنش، موجب گرمی و لبخند می شد. در نامه ای به دخترشان فریده (شهریور ۱۳۵۱) با اشاره به تأخیر در دریافت نامه همسرشان می نویسند: «از خانم غیر از تلگراف چیزی نرسیده، لابد اشتغال به خوشی ها مانع است» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۴۴۱) یا در نامه ای دیگر (مهر ۱۳۵۱) به دخترشان می نویسند: «غیر از شما، دیگران ما را فراموش کرده اند؛ خصوصاً خانم که سرگرم به دیدوبازدید و تفریح است» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۴۶۱). همچنین در نامه ای دیگر (آبان ۱۳۵۱) می نویسند: «از خانم مدتی است کاغذ ندارم. خبر سلامتت را به واسطه می شنوم. لابد زیادی دیدوبازدید موجب فراموشی شده است» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۴۶۵). نامه های امام با وجود طنز آمیز بودن، فضایی سرزنش آمیز ایجاد نمی کند و اشتیاق ایشان برای دریافت خبر از همسر را می رساند. این طنز عاطفی، هنر تبدیل حس منفی به فرصتی برای تقویت پیوند بوده است.

۲.۳.۳. تأمین آرامش روانی

امام در دوران تبعید به خوبی می دانستند که یکی از عوامل اضطراب در روابط، دوری و اطلاع نداشتن از حال یکدیگر است؛ بنابراین، به ایجاد نظم ارتباطی مبادرت می ورزیدند تا آرامش روانی خود و خانواده را تأمین کنند. ایشان در نامه ای به همسرشان (تیر ۱۳۵۳) می نویسند: «از سلامت خودتان ولو به دو کلمه ما را در هر هفته یا لااقل در هر دو هفته مطلع کنید» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۳۶). در نامه های قبلی امام به دخترشان فریده (فروردین ۱۳۵۱)، دلیل این درخواست مشخص است: «از حال خودتان زودبه زود مطلع کنید که به واسطه عادت می که به دریافت کاغذ شما داریم، نگران می شویم» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۴۲۸). این درخواست های مکرر و ساختاریافته، نشان دهنده مدیریت فعال و





عاقلاً سلامت روانی شبکه خانوادگی توسط امام است. ایشان با این کار، افزون‌بر اینکه اضطراب خود را کاهش می‌دادند، به اعضای خانواده می‌آموختند که مسئول آرامش خاطر یکدیگر هستند.

تأمین آرامش روانی در الگوی امام خمینی، در گام نخست، تأمین آرامش روانی اعضا با رفتاری عملی و مستمر در اولویت قرار داشت. نماد برجسته این رویکرد را می‌توان در نحوه اقامه نماز شب ایشان مشاهده کرد؛ همان‌گونه که همسرشان نقل می‌کنند: «حتی یک شب ما به سبب نماز شب آقا بیدار نشدیم... به گونه‌ای راه می‌رفتند که مزاحم دیگران نبودند» (رجایی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۴) یا در خاطرات آمده است: «امام برای نماز شب بیدار می‌شدند؛ اما به جای روشن کردن لامپ، از چراغ‌قوه کوچک استفاده می‌کردند که فقط جلوی پا را روشن می‌کرد» (وجدانی و شعرفاف، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۳۱).

ایشان با این اقدام و با آهسته راه رفتن، مراقب بودند کسی از اعضای خانواده از خواب بیدار نشود. این اقدام، مشخص می‌کند که امام، حرمت آرامش و خواب خانواده را حتی بر آسایش شخصی خود در لحظات معنوی مقدم می‌داشتند. به عنوان نمونه دیگر، هنگامی که امام در بیمارستان بستری بودند و همسرشان برای عیادت آمدند، امام پیش از هر چیز با بیان «کمتران درد می‌گیرد»، نگرانی خود را از سلامت ایشان ابراز کردند (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۵۲۱).

تأمین آرامش روانی در گام دوم، از مؤثر ساختن حضور عاطفی اعضای خانواده آغاز می‌شد. برای نمونه، هنگامی که فرزندشان به اتاق ایشان وارد می‌شد و امام مشغول تلاوت قرآن بودند، با درخواست اجازه برای اتمام صفحه، نه تنها مکثی محترمانه در عبادت ایجاد می‌کردند، بلکه با این رفتار، حضور فرزند را تکریم می‌نمودند. سپس، با ابراز محبت بلافاصله پس از اتمام تلاوت (رجایی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۹)، این پیام را منتقل می‌کردند که حرمت نهادن به روابط انسانی، مکمل عبادت و نه رقیب آن است. این شیوه تعامل، نه تنها آرامش و امنیت، بلکه احساس ارزشمندی و دیده شدن را در فرزندان تقویت می‌کرد.



امام در ابتدای عقد به پسران سفارش کرده‌اند: «سعی کنید با یکدیگر رفیق باشید» (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۵۱۶)، «اگر در بیرون از خانه مسئله داری، وقتی به خانه می‌آیی، ناراحتی‌ها را پشت در بگذار و سعی کن با مهربانی داخل خانه شوی» (ستوده، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۰۷). امام با این توصیه، بر مدیریت عواطف و اولویت‌بخشی به آرامش کانون خانواده تأکید داشته‌اند. امام خطاب به عروس‌ها نیز فرموده‌اند: «تو هم ممکن است در خانه خیلی کار کرده و خسته باشی؛ ولی نباید خستگی خودت را به شوهرت منتقل کنی. به استقبالش برو و زندگی گرمی را برای خودتان درست کنید» (ستوده، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۰۷). این سخن، نشان از درک متقابل ایشان از حقوق عاطفی هر دو طرف رابطه دارد. در نگاه امام، خانواده باید پناهگاهی امن می‌شد که در آن، اعضا با کنار گذاشتن دغدغه‌های بیرونی، با محبت، فضایی سرشار از صمیمیت برای یکدیگر فراهم کنند.

۲.۴. ساحت تربیتی‌آموزشی

امام خمینی در جایگاه معلم اخلاق و مرجع دینی، فرایند تربیت را به محیط دانشگاه و حوزه محدود نمی‌کردند، بلکه خانواده را محیطی برای پرورش انسان‌های کامل می‌دانستند. سیره تربیتی ایشان در خانواده، ترکیبی از اصول نظری و روش‌های عملی بود که در سه محور اصلی زیر تجلی می‌یافت:

۲.۴.۱. تربیت از طریق گفت‌وگو و استدلال

در نظام تربیت اسلامی، تأکید اساسی بر پرورش منطق و استدلال است و ویژگی بارز آن، اصالت‌بخشی به خردورزی است؛ به گونه‌ای که یک مسلمان موظف است اصول و مبانی اعتقادی خود را از طریق تحقیق و بررسی عقلانی بپذیرد. از منظر تعالیم اسلامی، بهره‌گیری از نیروی عقل و تفکر به گونه‌ای است که هم سعادت دنیوی و هم اخروی انسان و جامعه را تحت پوشش قرار می‌دهد (فایضی، ۱۳۷۷، ص ۸۳). امام در محیط خانواده، الگوی عملی



مدارا، استدلال و احترام به نظر دیگران بودند و از کوچک‌ترین فرصت‌ها برای تمرین این اصول استفاده می‌کردند. همسر امام نقل می‌کنند که در انتخاب نام فرزندان، گاهی نظرات متفاوتی بین ایشان وجود داشت؛ اما این اختلاف‌ها همواره با گفت‌وگوی منطقی و احترام‌آمیز حل می‌شد. برای نمونه، هنگامی که ایشان اصرار داشتند نام نخستین پسرشان مصطفی باشد، امام با استدلالی منطقی همسرشان که در فرهنگ ایرانی نام‌گذاری بر فرزند به نام پدر زنده مرسوم نیست، پذیرفتند که نام مصطفی و لقب محمد انتخاب شود (ثقفی، ۱۳۹۳، ص ۱۹۲).

برخلاف روش‌های تحکم‌آمیز رایج، امام باور داشتند که باید فرزند را به‌عنوان شخصیت مستقل عقلانی به رسمیت شناخت و او را با زبان منطق و استدلال هدایت کرد. نمونه بارز این روش، مکاتبه ایشان درباره نام‌گذاری نوه‌شان است؛ در نامه‌ای به پسرشان احمد (شهریور ۱۳۵۱) که نام نوه را یاسر گذاشته بودند، امام نه با دستور مستقیم که با ارائه دلایل متقن شرعی و عقلایی، نظر خود را بیان می‌کنند: «شنیدم اسم بچه را یاسر گذاشته‌اید؛ انتخاب خوبی نبوده و موجب حرف‌هایی هم می‌شود. یکی از حقوقی که فرزند به پدر دارد، این است که اسم خوب برای او بگذارد؛ اسم غیرمتعارفی که هر کس بشنود، چیزی بگوید... خلاف عقل است» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۴۵۲).

امام، سلیقه شخصی خود را مطرح نکرده و مخالفت خود را بر پایه اصل عقلی استوار می‌کنند. ایشان قانون و حق شرعی فرزند را مبنا قرار می‌دهند و به فرزند خود می‌آموزند که انتخاب‌های فردی، تبعات اجتماعی دارد و انسان مسئول باید این تبعات را در نظر داشته باشد؛ زیرا انتخاب نام مناسب برای افراد، افزون‌بر اینکه نوعی احترام به شخصیت آنان محسوب می‌شود، باعث برانگیخته شدن احترام دیگران نیز می‌گردد. نام هر شخص به‌عنوان نماد و نماینده‌ای از هویت و شخصیت او نزد دیگران عمل می‌کند. در حقیقت، هر نام دارای معانی و مفاهیم خاصی است که با انتقال این معانی به ذهن مخاطب، سبب می‌شود فرد با آن مفاهیم شناخته شده و مطابق با آن ویژگی‌ها با او رفتار شود (پناهی، ۱۳۹۲، ص ۲۴۵).



امام در مواجهه با پرسش‌های اعتقادی، با زبانی استدلالی و مستقیم به تربیت فکری می‌پرداختند. هنگامی که دخترشان درباره چگونگی معراج پیامبر سؤال نمود، با طرح این پرسش بنیادین که «خدا را قادر نمی‌دانید؟»، مبنا را بر قدرت مطلق الهی قرار داده و نشان دادند که در تربیت دینی، باید پیش از هر چیز اصل توحید و قادر مطلق بودن خداوند در ذهن مخاطب نهادینه شود (ستوده، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۰۰؛ رجایی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۱۹۴).

۲.۴.۲. تأکید هم‌زمان بر «تحصیل علم» و «تهذیب اخلاق»

امام برای تربیت نسلی که هم دانشمند باشد و هم عارف و مبارز، همواره بر پیوند ناگسستنی دانش و اخلاق تأکید داشته‌اند. از دیدگاه ایشان، علت اصلی تمام انحرافات و مشکلات در کشورها، فقدان تهذیب نفس در مراکز آموزشی است. این مسئله درباره همه مراکز علمی، چه سنتی و چه مدرن، یکسان است. اگر تربیت اخلاقی و تعهد وجود نداشته باشد و تحصیلات براساس اصول صحیح اسلامی استوار نباشد، نتیجه‌اش انحراف است و ملت‌های اسلامی را به بیراهه می‌کشاند (خمینی، ۱۳۸۷ «الف»، ج ۲، ص ۶۳). این تأکید در وصیت‌ها و نامه‌های متعددی از ایشان به چشم می‌خورد. امام در نامه‌ای به پسرشان احمد (آذر ۱۳۵۰) می‌نویسند: «ان شاء الله تعالی به درس و بحث و تحقیق و تهذیب اخلاق اشتغال دارید» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۴۰۲). همچنین در نامه‌ای دیگر به پسرشان احمد (بهمن ۱۳۵۰) می‌نویسند: «آنچه از شما می‌خواهم آن است که با جدیت مشغول درس و بحث باشید و به هیچ وجه غفلت ننمایید و در خلال تحصیل به تهذیب اخلاق و تحکیم مبانی دیانت مقدسه کوشا باشید» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۱۸).

ایشان در نامه‌های دیگر نیز در دوران تبعید در نجف سفارش می‌کنند که فقط مشغول تحصیل علم و تهذیب اخلاق باشند و به امور دیگر مشغول نشوند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، صص ۴۱۸، ۴۲۷، ۴۵۲). امام در وصیت به نوه‌شان نیز سفارش می‌کنند: «از اشتغال به تحصیل علوم شرعیه غفلت نکند و دنیا را سبک شمارد و در جوانی راه عبودیت را پیش گیرد» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۲۲۷).



۲.۴.۳. الگوسازی عملی

امام در تبیین روش تربیت اسلامی، بر نقش محوری الگوسازی عملی توسط والدین تأکید داشتند. از دیدگاه ایشان، فرزند به کردار و گفتار پدر و مادر چشم می‌دوزد؛ اگر ببیند که مادر یا پدر دروغ می‌گویند، دروغ‌گو بار می‌آید و اگر راست‌کاری و درست‌کاری را در رفتار آنان ببیند، براساس این الگوی عملی، فردی صالح پرورش می‌یابد. از منظر ایشان، ریشه تربیت اصیل و ساخت جامعه سالم، در عملکرد راستین و الگوی رفتاری خانواده است (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۲۸۷).

ایشان پیش از آنکه چیزی را توصیه کنند، خود بدان عمل می‌کردند و این‌گونه اعتبار و اثرگذاری کلام خود را به حداکثر می‌رساندند. اعتراف به خطا و درخواست عفو از فرزند مانند نامه ایشان به فرزندشان احمد: «حق با شماست... ببخشید» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۱۰)، بزرگ‌ترین درس صداقت و تواضع بود. پیگیری دقیق و شفاف امور مالی خانواده، مانند پرداخت شهریه و بدهی‌ها (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۳۱ و ج ۲، ص ۳۱۰) از دورترین نقطه تبعید، درس غیرت و مسئولیت‌پذیری بود. به‌عنوان نمونه‌ای دیگر، هنگامی که امام متوجه شدند دامادشان برای نماز صبح، نوه‌شان را با اجبار از خواب بیدار می‌کند، برایش پیغام فرستادند که: «چهره شیرین اسلام را به مذاق بچه تلخ نکن.» نتیجه این کلام آن شد که نوه‌شان به درخواست خودش برای نماز صبح بیدار می‌شد که نشان از تأثیر روش تربیتی غیرمستقیم امام داشت (ر.ک: میران، ۱۳۹۰، ص ۸۳). این برخورد امام نشان می‌دهد که ایشان از اجبار در انتقال مفاهیم دینی پرهیز داشتند و درباره احساسات فرزندان حساس بودند.

۲.۵. ساحت مدیریتی اقتصادی

مدیریت عاقلانه و عادلانه امور اقتصادی، یکی از ارکان اساسی ثبات و آرامش خانواده است. سیره امام در این حوزه، ترکیبی از دقت نظر مالی، آینده‌نگری و البته عطوفت و کرامت بود. این ساحت از الگوی اخلاقی امام، در سه محور اصلی بیان می‌شود:

۲.۵.۱. مسئولیت‌پذیری مالی و شفافیت

امام بشخصه و با دقت جامع بر جریان درآمدها و هزینه‌های خانواده نظارت داشتند و شفافیت مالی را حتی در دورترین فاصله‌ها رعایت می‌کردند. این مسئولیت‌پذیری فعال، نمونه‌های متعددی دارد. ایشان در نامه‌ای به پسرشان احمد (آذر ۱۳۴۹) با جزئیات می‌پرسند: «از اینکه شهریه را چطور دادند و کی داد و به چه عنوان داده شد، مرقوم نداشتید» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۱۰). این پرسش، نشان از نظم و مسئولیت‌پذیری ایشان در قبال تعهدات مالی دارد.

امام در وصیت‌نامه خود نیز تکلیف اموال را مشخص می‌کنند: «اثاث منزل، همه مال مادر است. کتب هم مال شماست» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۳۳). این وصیت، جلوگیری از بروز هرگونه اختلاف احتمالی و تجسم عملی عدالت و انصاف در توزیع دارایی‌ها بود؛ بنابراین، این سطح از شفافیت و دقت، اعتماد و اطمینان متقابل را در کانون خانواده نهادینه می‌کرد.

۲.۵.۲. مدیریت دل‌سوزانه در بحران

در شرایط سخت تبعید که امام امکان مدیریت مستقیم امور خانواده را نداشتند، با تفویض اختیار به پسرشان مصطفی، زمینه استمرار مدیریت خانواده را فراهم آوردند. اقدام امام، نشان از درک واقع‌بینانه از شرایط و اولویت‌بندی برای حفظ آرامش خانواده داشت. ایشان در نامه‌ای از تبعید ترکیه (آبان ۱۳۴۳) به مصطفی می‌نویسند: «لازم است در موضوع مادر و خواهرها و احمد و بستگان به شما تأکید کنم... نگذارید نگرانی پیدا کنند، راحتی او را فراهم کنید... شهریه مادر را بدهید. احمد را راضی نگه دارید، شهریه‌اش را بدهید» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۳۱). در این نامه، ایشان مصطفی را به عنوان قائم مقام خود در اداره امور خانواده منصوب کرده و مسئولیت‌های عاطفی و مالی را به او محول می‌کند. این اقدام، نمونه‌ای درخشان از مدیریت بحران با تکیه بر اعضای خانواده است.





۲.۵.۳. کمک‌رسانی با حفظ کرامت

امام در کمک‌رسانی مالی به اعضای خانواده، نه تنها به عدالت می‌اندیشیدند، بلکه حفظ آبرو و عزت‌نفس فرد کمک‌گیرنده برایشان اهمیت داشت. نمونه برجسته این نگاه، دستوری است که در نامه‌ای به پسرشان احمد می‌دهند، مبنی بر پرداخت کمک ماهیانه به یکی از دخترانشان: «به‌طور خصوصی و بدون اظهار به کسی، ماهی دو یست تومان به فریده بدهید... یعنی از آقا (پسندیده) بگیرید و بدهید؛ ظاهراً ایشان مخارجی دارند و ناراحت هستند» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۲۶).

امام با درک ناراحتی دخترشان، بر محرمانه بودن کمک برای جلوگیری از شرمندگی دخترشان تأکید دارند. این رویکرد، کمک‌رسانی را از یک عمل تحقیرآمیز به همکاری محترمانه و دل‌سوزانه در کانون خانواده تبدیل می‌کند.

۳. تعامل الگوی خانوادگی با بستر انقلاب اسلامی

یکی از وجوه ممیزه و برجسته الگوی اخلاق خانوادگی امام خمینی، تعامل پویا و ناگسستنی میان زندگی شخصی و مسائل کلان انقلاب است. برخلاف بسیاری که حوزه خانواده را حریمی جدا از دغدغه‌های اجتماعی می‌دانند، امام این دو عرصه را به یکدیگر پیوند داده بود؛ به گونه‌ای که شرایط انقلاب بر فضای خانوادگی اثر می‌گذاشت و در مقابل، خانواده، پناهگاه و منبع تاب‌آوری ایشان در برابر فشارهای طاقت‌فرسای مبارزه بود. این تعامل را می‌توان در دو محور اصلی تحلیل کرد:

۳.۱. شفافیت در بیان رنج‌های جمعی

امام، اعضای خانواده را تنها مخاطبان پیام‌های عاطفی روزمره نمی‌دانست، بلکه آنان را شریک و هم‌راز دغدغه‌های بزرگ ملی خود قرار می‌داد. این امر باعث می‌شد که فضای خانواده، آینه‌ای از فضای کلی جامعه باشد. ایشان در نامه‌ای (۱۳۵۰) به دخترشان صدیقه، پس از بیان سلامت جسمانی خود، بلافاصله می‌افزایند: «ماها بحمدالله تعالی سلامت هستیم؛



لکن روحاً افسرده. امید است خداوند تعالی فرج عنایت فرماید» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۴۱۶). امام در نجف (۱۳۴۹) در نامه‌ای خطاب به پسرشان احمد، از خستگی شدید خود می‌نویسند: «خیلی خسته شده‌ام و راه مفری هم نیست» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۱۴). اعترافات صریح امام نشان می‌دهد که وضعیت سیاسی و اجتماعی کشور، بر سلامت روانی امام تأثیر داشته است. ایشان خود را از این دغدغه جدا نمی‌دانستند. این شفافیت، خانواده را به حلقه‌ای از همدلی و پشتیبانی معنوی تبدیل می‌کرد که در آن، اعضا نه تنها از حال یکدیگر، بلکه از حال جامعه خود نیز باخبر بوده و برای آن دعا می‌کردند.

۲.۳. اخلاق خانوادگی در شرایط سخت

شرایط دشواری مانند تبعید، حبس و تحت نظر بودن، اغلب می‌تواند به روابط خانوادگی لطمه بزند و افراد را به انزوا یا خودمحوری سوق دهد؛ اما سیره امام نشان می‌دهد که الگوی اخلاقی ایشان در سخت‌ترین شرایط نیز تداوم و ثبات خود را حفظ کرده است. نامه‌های متعدد امام از تبعیدگاه ترکیه و عراق، حاوی همان دغدغه‌های همیشگی برای سلامت، آموزش، معیشت و آرامش روانی خانواده است. برای مثال، در همان شرایط که تحت فشار شدید سیاسی بودند، با دقت به پرداخت شهریه فرزندان (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۳۱) و رسیدگی به وضعیت خدمتکار خانه (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۱۴) می‌پرداختند.

لحن محترمانه، مهرآمیز و مسئولیت‌پذیر امام در نامه‌های دوران تبعید، هیچ تفاوت ماهوی با نامه‌های دوران پیش از مبارزه ندارد. این ثبات حاکی از آن است که اخلاق خانوادگی برای ایشان، یک اصل تغییرناپذیر بود که تابع شرایط سیاسی یا اجتماعی نبود. تعامل الگوی خانوادگی امام با بستر انقلاب نشان می‌دهد که از منظر ایشان، انقلابی بودن به معنای نادیده گرفتن خانواده نبود، بلکه به معنای درگیر کردن خانواده در یک رسالت بزرگ‌تر بود. ایشان با انعکاس دغدغه‌های ملی در فضای صمیمی خانواده، سطح آگاهی و



مسئولیت‌پذیری اجتماعی اعضا را بالا می‌بردند و از طرفی، با حفظ ثبات اخلاقی خود در شرایط سخت، خانواده را به پناهگاه و منبع قوت برای تداوم مبارزه تبدیل می‌کردند.

۳.۳. تأثیرگذاری بر انقلاب

امام خمینی، خانواده را نه تنها یک نهاد خصوصی بلکه سازمان مؤثر در پیشبرد اهداف انقلاب می‌دانستند. از منظر ایشان، خانواده ظرفیت آن را داشت که به پایگاهی برای تربیت نیروهای متعهد، گسترش ارزش‌ها و تزریق منابع به بدنه انقلاب تبدیل شود. این نقش فعال و اثرگذار در سه محور تبیین می‌شود:

۳.۳.۱. پایگاه اجرای مسئولیت‌های اجتماعی

امام از شبکه خانوادگی خود به عنوان سازوکار مطمئن و کارآمد برای انجام امور خیریه و حمایت از نیازمندان استفاده می‌کردند. این اقدام به گسترش فرهنگ نوع‌دوستی کمک می‌کرد و افزون‌بر آن، کارایی خدمت‌رسانی را افزایش می‌داد. امام در دوران تبعید در نجف (۱۳۴۹) با حساسیت و دقت تمام به پسرشان احمد دستور می‌دهند: «ماهیاره مبلغی به خانواده آقای کلانتر به سبب گرفتاری بدون آنکه کسی مطلع شود، پرداخت شود» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۱۴). امام در این نامه، خانواده (پسرشان احمد) را به عنوان بازوی اجرایی خود برای انجام امور خیریه و حمایت از نیازمندان به کار می‌گیرد. دستور پرداخت ماهیاره به خانواده یک فرد گرفتار با تأکید بر محرمانه بودن، نشان از حفظ کرامت نیازمندان و نهادینه‌سازی فرهنگ نوع‌دوستی در خانواده دارد. این امر نشان می‌دهد که خانواده در نگاه ایشان، مجرای برای خدمت به جامعه است.

۳.۳.۲. تربیت نسل انقلابی

امام به طور مستقیم و آگاهانه از فضای خانواده برای نهادینه‌سازی ارزش‌های بنیادین انقلاب در نسل بعد استفاده می‌کردند. ایشان با تفسیر شهادت فرزندشان به عنوان لطف خفیه الهی



(رجایی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۱۳۷) نشان دادند که عمیق‌ترین دردهای خانوادگی نیز در مسیر آرمان‌های بزرگ‌تر معنا می‌یابد. این مصیبت شخصی که امام با صبری ستودنی آن را تحمل کرد، در بستر انقلاب به عاملی برای شکستن فضای اختناق و اتحاد بیشتر مردم تبدیل شد و تجلی‌بخش نگاه امام به درهم‌تنیدگی تقدیر خانواده و امت بود.

امام خطاب به فرزندان‌شان می‌فرماید: «با هم یکدل و یک‌جهت باشند و با مهر و صفا رفتار نمایند» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۲۲۶). این توصیه، خانواده را به الگویی کوچک از جامعهٔ آرمانی مبتنی بر اخوت و همدلی تبدیل می‌کند. امام، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و جانبازی برای محرومان را به‌عنوان یک ارزش والای خانوادگی تثبیت می‌کند و فرموده‌اند: «همه در راه خداوند و بندگان محروم او قدم بردارند که خیر دنیا و آخرت در آن است» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۲۲۶).

۳.۳.۳. تبدیل دارایی خانوادگی به سرمایه اجتماعی

امام با اقداماتی نمادین نشان دادند که دارایی‌های شخصی و خانوادگی باید در خدمت اهداف بزرگ اجتماعی قرار گیرد. برای نمونه، ایشان در نامه‌ای به پسرشان احمد (فروردین ۱۳۵۰) به فروش کتابخانه شخصی برای تأسیس مدرسه دستور داده‌اند: «اگر [آقای صدوقی یزدی] آمدند و خواستند، [کتابخانه را] تحت‌اختیار ایشان درآورید که این جانب از این جهت آسوده‌خاطر شوم» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۴۳). کتابخانه، گران‌بهایترین دارایی عالمان دینی محسوب می‌شود و فروش آن، نشان از اولویت قائل شدن برای منافع عمومی بر دارایی شخصی دارد.



نتیجه گیری

این پژوهش با واکاوی اسناد معتبر، به ویژه نامه های خانوادگی امام خمینی، در پی تبیین الگوی اخلاق خانوادگی ایشان در تعامل با بستر انقلاب اسلامی بود. یافته ها نشان می دهند که سیره خانوادگی امام، چهارچوبی نظام مند است که حول پنج بُعد کلیدی اعتقادی عبادتی، عاطفی روانی، تربیتی آموزشی، مدیریتی اقتصادی و حقوقی تعاملی شکل گرفته است. این الگو را می توان تجلی عینی زندگی انقلابی دانست که در آن، حریم خصوصی خانواده به مثابه نهاد تربیت انسان تراز و پایگاه مقاومت تعریف می شود.

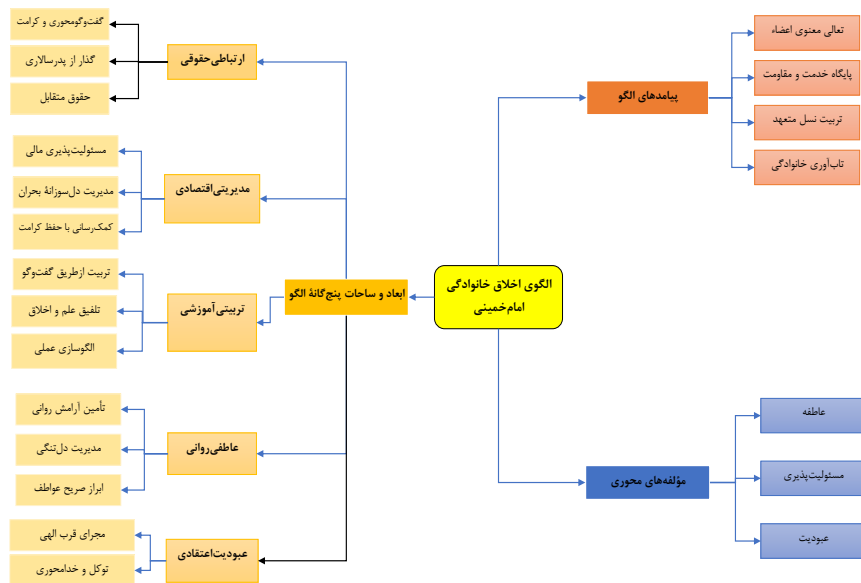
در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش مبنی بر چگونگی تداوم و تعالی الگوی اخلاق خانوادگی امام در شرایط پُر التهاب، می توان استدلال کرد که تاب آوری این الگو، ریشه در مبانی اعتقادی و ساختار آن دارد. بُعد عبودیتی به عنوان ستون و مبنای الگو، به سایر ابعاد معنا و ثبات می بخشد؛ به گونه ای که مدیریت اقتصادی یا تعاملات عاطفی، جلوه ای از عبادت و تقرب الهی تفسیر می شوند.

دستاوردهای نظری این پژوهش را می توان در ارائه چهارچوبی نظام مند برای نظریه خانواده تراز انقلاب اسلامی خلاصه کرد. این چهارچوب با ترکیب سه گانه تعالی بخش «عبودیت، مهرورزی و مسئولیت پذیری اجتماعی» و گذار از الگوی پدرسالار به الگوی حقوق متقابل، گسستی اساسی از پارادایم های سنتی و یک سویه را ایجاد می کند. از منظر کاربردی، این الگو برای نهاد خانواده در جهان معاصر چاره افزایی می کند. بدین ترتیب، خانواده براساس این الگو می تواند کارکرد چهارگانه زیر را به شکل هم زمان ایفا کند:

۱. کانون آرامش عاطفی؛
۲. مدرسه تربیت دینی و اخلاقی؛
۳. نهاد مقاومت در برابر بحران ها و تهاجم فرهنگی؛
۴. پایگاه مسئولیت پذیری و خدمت رسانی اجتماعی.

در پایان، پیشنهاد می‌شود این الگو در جوامع و بسترهای فرهنگی مختلف مورد آزمون تطبیقی قرار گیرد، شاخص‌های عملیاتی برای سنجش هریک از ابعاد پنج‌گانه طراحی شود و امکان‌سنجی تدوین «منشور اخلاق خانوادگی» براساس این سیره، در دستور کار نهادهای فرهنگی و تربیتی کشور قرار گیرد. درنهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که خانواده در الگوی امام‌خمینی، نهادی پیشران است که در آن، انسان‌هایی متعهد پرورش می‌یابند.





فهرست منابع

*قرآن کریم.

- ابن مسکویه، احمد بن محمد. (بی تا). *تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق*. قم: انتشارات بیدار.
- ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی. (۱۴۱۶ق). *لسان العرب* (چاپ اول). بیروت: دارالصادر.
- اصفهانی، محمد مهدی. (۱۳۸۸). *آیین تندرستی*. تهران: تندیس.
- الهامی نیا، علی اصغر. (۱۳۸۶). *سیره اخلاقی تربیتی امام خمینی*. قم: زمزم هدایت.
- بستانی، فواد افرام. (۱۳۷۵). *فرهنگ ابجدی الفبایی عربی فارسی: ترجمه کامل المنجد*
- الابجدی* (ترجمه مهیار، چاپ اول). تهران: اسلامی.
- پناهی، علی احمد. (۱۳۹۲). *مهارت های زندگی و ویژه متاهلین*، قم: دفتر نشر معارف.
- ثقفی، علی. (۱۳۹۳). *بانوی انقلاب خدیجه ای دیگر (زندگی نامه سرکار خانم خدیجه ثقفی همسر امام خمینی)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- جان نثاری، حسینعلی؛ واعظی، سید حسین. (۱۳۹۸). *نقش الگوهای اخلاقی در تربیت اجتماعی از منظر قرآن کریم*. فصلنامه علوم قرآن و حدیث، ۲(۵۱)، صص ۷۵-۹۶.
- Doi: 10.22067/NAQHS.V51I2.68445
- جهان بین، فرزاد. (۱۳۹۱). *مؤلفه های کلیدی در ساخت جامعه تراز انقلاب*. فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی. ۳(۱)، صص ۱۳۴-۱۱۶.
- خامنه ای، علی. (۱۳۹۴). *مجموعه بیانات آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) درباره شخصیت امام خمینی*. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
- خمینی، روح الله. (۱۳۹۲). *دروس تفسیر سوره حمد جهاد اکبر یا مبارزه با نفس نامه های اخلاقی عرفانی* (چاپ اول)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح الله. (۱۳۸۷ «الف»). *جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، روح الله. (۱۳۸۷ «ب»). *تهذیب نفس و سیر و سلوک از دیدگاه امام خمینی (ره)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).





- خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۹). *صحیفه امام* (چاپ پنجم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
- دریایی، محمد رسول. (۱۳۹۹). *دانشنامه طبی مسائل زنان در پرتو طب ایرانی*. تهران: سفیر ارهال.
- دری نجف آبادی، قربانعلی. (۱۳۹۵). *زن، خانواده و جامعه*. اراک: دانشگاه اراک.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۹۵). *خلاصه سیره نبوی «منطق عملی»*. تهران: دریا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن* (چاپ اول). بیروت: دار القلم.
- رجایی، غلامعلی. (۱۳۹۲). *برداشت‌هایی از سیره امام خمینی*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
- ستوده، امیررضا. (۱۳۸۰). *پایه پای آفتاب* (چاپ اول). تهران: پنجره.
- سعادت‌مند، رسول. (۱۳۸۹). *درس‌هایی از امام: اخلاق در خانواده*. تهران: تسنیم.
- شهریاری، روح‌الله. (۱۴۰۲). *مبانی و اصول رشد اخلاقی خانواده تراز تمدن نوین*. مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی. ۵(۳)، صص ۲۱۲-۲۳۱.
- طباطبایی، فاطمه. (۱۳۸۷). *یک ساغر از هزار: سیری در عرفان امام خمینی*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
- علیزاده، مهدی. (۱۳۸۹). *اخلاق اسلامی: مبانی و مفاهیم*. قم: دفتر نشر معارف.
- عیسی‌زاده، عیسی. (۱۳۹۲). *رفتارشناسی امام خمینی رحمته الله علیه با همسر*. فصلنامه ره‌توشه. ۱۱۹(۱)، صص ۲۳۷-۲۴۹.
- فاضل استرآبادی، محمد. (۱۳۸۷). *خاطرات*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فایضی، علی. (۱۳۷۷). *نگاهی چندباره به مبانی تربیت، روش‌ها و اخلاق اسلامی*. تهران: مسعی.
- فوزی توپسرکانی، یحیی. (۱۳۹۰). *اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه*. قم: دفتر نشر معارف.
- قطب، محمد. (۱۳۷۹). *انسان، مادی‌گری و اسلام*. تهران: کلبه شروق.



- قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن (چاپ ششم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کاظم نژاد، مهری. (۱۳۹۷). آسیب شناسی اجتماعی نقش همسری و مادری زنان با رویکرد اسلامی. قم: جامعه الزهراء (ع).
- کاظمی، اقدس. (۱۳۸۷). درباره تربیت فرزندان. قم: مثلث عشق.
- کاویانی، مصطفی. (۱۳۹۱). مهارت همسر داری و رعایت حقوق زناشویی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مجیدی بیدگلی، کبری. (۱۳۹۱). جایگاه اخلاق در اندیشه و عمل حضرت امام خمینی (ع). کنگره بین المللی اندیشه فرهنگی و اجتماعی امام خمینی (ع). صص ۱-۲۲.
- محمدی صیفار، مهدی. (۱۳۹۵). مشق مهر: الگوهای اخلاقی رفتاری علما در خانواده. قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت.
- مرتضوی، ضیاء. (۱۴۰۰). دانشنامه امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
- میریان، سیداحمد. (۱۳۹۰). پدر مهربان: خاطراتی از رفتار حضرت امام خمینی (ع) با کودکان و نوجوانان. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
- نباتی، احمد. (۱۳۹۳). آشیانه مهر، قم: جامعه الزهراء.
- وجدانی، مصطفی؛ شعرباف، رضا. (۱۳۷۸). سرگذشت های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی (ع) (چاپ شانزدهم). تهران: پیام آزادی.